

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۷۷

جمعه ۲۶ مرداد ۱۳۹۶، ۱۷ اوت ۲۰۱۸

اعلام موجودیت کمپین نجات

هوشمند علیپور!

جان یک جوان ۲۵ ساله

در خطر است!

صفحه ۸

دستگیری هوشمند علیپور و محمد

استاد قادر را محکوم میکنیم

صفحه ۵

بازداشت و شکنجه دو فعال

سیاسی در کردستان را شدیداً

محکوم می کنیم!

صفحه ۳

## ویژگی های یک حزب رهبر

مصاحبه محمد کاظمی با حمید تقوایی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با تلویزیون کانال جدید تدوین شده است

صفحه ۲

## تحریم ها و بیکارسازی ها

شهلا دانشفر

علی ربیعی وزیر قبلی دولت روحانی که در دل بالا گرفتن نزاعهای حکومتی اخیراً از کار برکنار شد، خطاب به حریف مقابلش با گفتن اینکه "ما در یک جنگ واقعی وارد شده ایم" و باید با مردم "صادقانه صحبت کرد، بقول خودش لب به سخن گفتن باز کرد و از خطر بیکاری یک میلیون کارگر در نتیجه بازگشت تحریم ها خبر داد.

علی اکبر رواقی، رئیس

کانون شوراهای اسلامی کار استان کرمان، در گفت و گو با ایلنا میگوید: "کم نیستند واحدهای تولیدی ایران که در سالها و ماههای گذشته یا توان پرداخت دستمزد کارکنان و کارگران خود را نداشتند و یا اعلام ورشکستگی کردند". او در ادامه سخنانش میگوید: "بررسی های جلسات کمیسیون کارگری نشان می دهد که ۵۲ واحد بحران زده کوچک و بزرگ در استان کرمان وجود دارد که با مشکلاتی نظیر نوسانات نرخ ارز، تامین مواد اولیه و

معوقات بانکی مواجه هستند."

مازیار بیگلر دبیر انجمن قطعه سازان از شروع موج بیکارسازی ۴۵۰ هزار کارگر در قطعه سازی ها وافت ۸۰ درصدی تولید در خودرو سازی ها خبر میدهد. به گفته بیگلر از شروع سال جاری تا به امروز ۱۴ هزار کارگر در این صنایع بیکار شده اند و شرکت قطعه سازی کروز با ۳۵۰۰ کارگر تعطیل میشود.

در همین راستا علی خدایی،

صفحه ۳

## بازتاب هفته

کاظم نیکخواه

قانون تساوی ارث زن و مرد در تونس

دریای خزر و ناسیونالیسم ایرانی

قاتل برجام کیست؟

صفحه ۴

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۵

## فراخوان کارگران فولاد اهواز به تجمع در ۲۷ مرداد

صفحه ۸



KANAL JADID  
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس : 11766

پولاریزاسیون : عمودی

سیمبل ریت : 27500

اف ای سی : 5/6

# ویژگی های یک حزب رهبر

مصاحبه محمد کاظمی با حمید تقوایی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با تلویزیون کانال جدید تدوین شده است



کمر رژیم شاه را بشکنند. شوراها تقریباً در تمام کارخانه ها تشکیل شده بود و کارگران در خیلی از واحدهای تولیدی کنترل کارخانه را بدست گرفته بودند. خواست و آمال طبقه کارگر را آن نیروهای چپی که اساساً ضد خارجی و ضد آمریکایی و بقول خودشان ضد امپریالیسم بودند، علیه غربزدگی بودند، صنایع مادر و اقتصاد مستقل میخواستند و غیره نمایندگی نمیکردند. طبقه کارگر به حزبی نیاز داشت که حرف دلش را بزند، علیه نفس سرمایه داری و کل نظم سرمایه باشد، نیرویی که اعلام کند دیکتاتوری عریان بخاطر بدجنسی شاه و دربار نیست، بلکه ضرورت کارکرد سرمایه در ایران است. چپ آن دوره اساساً دیکتاتوری را با سنگ زنجیری آمریکا توضیح میداد و بخشی از طبقه سرمایه دار را ملی و دموکرات میدانست و معرفی میکرد. ما از همان بدو انقلاب ۵۷ این دیدگاه چپ سنتی را نقد کردیم و اعلام کردیم دیکتاتوری عریان ضرورت کارکرد و سلطه سرمایه در ایران است.

حزب کمونیست کارگری در ادامه این خط و جهتگیری تشکیل شد. این بحثی است که چهار دهه است ما مطرح میکنیم و هر روز حقانیت این نظریه بیشتر نمایان شده است. بیشتر معلوم شده که چرا حکومت سرمایه در ایران بجز دیکتاتوری و زدن و بستن، آلترناتیو دیگری ندارد. حال یک روز به اسم مذهب، یک روز به اسم تمامیت ارضی، یک روز در دفاع از مقدسات مذهبی، یک روز به بهانه مقدسات ملی-میهنی و غیره. در هر حال بورژوازی ایران ناگزیر است بزند و سرکوب کند. طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ و در تمام دوره های مبارزاتی اش از آن زمان تا امروز

خواهان حفظ این سیستم هستند، هر اندازه هم که مدعی طرفداری از مردم باشند، بطور عینی و واقعی قادر به تامین خواستههای برحق مردم نخواهند بود. تنها نیرویی میتواند آزادی و برابری و رفاه را تضمین و تامین کند که بردگی مزدی را لغو کند و سوسیالیسم را پیاده کند.

محمد کاظمی: اگر به انقلاب ۵۷ برگردیم می بینیم بالاخره این طبقه کارگر بود که توانست رژیم سلطنتی را به زانو در آورد. منتهی بعد از ۴۰ سال هنوز طبقه کارگر ایران حتی تشکلهای صنفی خودش را ندارد. سؤال اینست که فکر میکنید با چنین وضعیتی چطور میشود سوسیالیسم را در ایران پیاده کرد؟ شما بعنوان یک حزب، نفوذتان در طبقه کارگر چقدر است؟ حمید تقوایی: اولین نکته اینست که طبقه کارگر گرچه تشکل صنفی خودش را هنوز ندارد - که بدلیل آن هم میپردازیم- ولی حزب خودش را دارد. و این یک فرق اساسی با دوره شاه و انقلاب ۵۷ است. حزب کمونیست کارگری وجود دارد و نفوذ کمی هم در میان طبقه کارگر ندارد. شناخته شده است، با فعالین کارگری ارتباطات نزدیکی دارد، و شعارها و سیاستها و رهنمودهایش در جنبش کارگری مقبولیت و کارایی دارد. رابطه نزدیکی بین حزب و کارگران هست.

از یک زاویه عمومی تری باید گفت کل موجودیت حزب ما از نظر اجتماعی و طبقاتی در انقلاب ۵۷ ریشه دارد. سابقه این حزب بر میگردد به انقلاب ۵۷ و بحثهایی که در آن دوره اتحاد مبارزان کمونیست در نقد دیدگاههای چپ سنتی مطرح کرد. آن بحثها و سیاستها که به مارکسیسم انقلابی معروف شد بازتاب وجود و اعتراض اجتماعی طبقه کارگری بود که بمیدان آمده بود تا بقول شما

سر رهایی یک جامعه هشتاد میلیونی از فقر و فلاکت و دیکتاتوری و بی حقوقی است. به نظر من نام واقعی و با مسما سرمایه داری "بردگی مزدی" است. و این بردگی مزدی در ایران به عریان و آشکارا قابل مشاهده است. کارگری که شش ماه به شش ماه حقوق نمیگیرد، کارگری که از حق تشکل محروم است، کارگری که کمترین مزایای کاری به او تعلق نمیگیرد، کارگری که ناگزیر است دو شیفته و چند شیفته کار کند و هنوز هشتاد گروه نه باشد و نتواند یک زندگی مطابق حتی استانداردهای متعارف زندگی امروزی داشته باشد. این وضعیت جامعه است و شما نمیتوانید نظام بردگی مزدی را حفظ کنید و این مشکلات را حل کنید. اینها صرفاً تقصیر آخوندها و فساد و "سوء مدیریت" رژیم نیست. در این شکی نیست که جمهوری اسلامی فاسد ترین، فجع ترین و هارترین و وحشی ترین حکومت سرمایه داری در ایران است اما برای اینکه جامعه به رفاه و آزادی برسد این حکومت باید آخرین حکومت سرمایه در ایران باشد. مردم، با یا بدون جمهوری اسلامی، نمیتوانند کمربندها را سفت کنند و بیشتر کار کنند و کمتر بخواهند، برای اینکه ایران به بهشت سرمایه گذاری تبدیل شود و در عین حال از رفاه و آزادی برخوردار باشند. این ممکن نیست. "بهشت سرمایه" مستلزم اینست که کارگر ایرانی مثل کارگر بنگلادشی با مزد حدود یک دلار در روز کار کند. "بهشت سرمایه" مستلزم تحمیل فقر و فلاکت و پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق و آذینهای مدنی و سیاسی در کل جامعه است.

سؤال محوری در پایه ای ترین سطح این است که آیا میخواهید سیستم بردگی مزدی را در ایران حفظ کنید و یا خیر؟ نیروهائی که

کرد. این ممکن نیست. سرمایه داری در ایران با آزادی و رفاه جامعه در تناقض است و به همین دلیل هست که ما در جمهوری اسلامی و در دوران قبل از این حکومت نیز- از انقلاب مشروطه تا امروز- دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری داشته ایم. این دیکتاتوریهها با حکومتهای استبدادی قرون وسطائی متفاوت هستند. ضرورت وجودی آنها دفاع از اشراف فئودال نیست بلکه پاسداری از منافع صاحبان سرمایه است. این دیکتاتوریهها باید شرایطی ایجاد کنند که سرمایه در جامعه ایران بتواند کار کند، بتواند با سرمایه های جهانی رقابت کند و سودآور باشند. سرمایه داری ایران به "کار ارزان کارگر خاموش" نیاز دارد و در نتیجه ناگزیر است به روی کل جامعه تیغ بکشد. و از این نظر فرق میکند با کشورهای صنعتی غرب. سرمایه داری در ایران باید بتواند با سرمایه های غربی رقابت کند و چون از نظر تکنولوژی تولید و بارآوری کار در سطح کشورهای صنعتی پیشرفته نیست ناگزیر است تسمه از گرده کارگر بکشد تا سودآور باشد. ریاضت کشی اقتصادی به شدیدترین و فجیع ترین شکلش، سیاست فقط جمهوری اسلامی نیست، هر نیرویی، هر اندازه هم نیت خیر داشته باشد، و بخواهد سرمایه داری را در ایران حفظ کند ناگزیر است در بازار جهانی با سرمایه های دیگر رقابت کند و به همین دلیل ناگزیر است اختناق ایجاد کند، ناگزیر است اجازه ندهد کارگر متشکل شود و اعتراض کند و اعتصاب کند و در نتیجه ناگزیرست کل جامعه را در محاق و اختناق فرو ببرد. این دلیل پایه ای هست که نشان میدهد برای جامعه ایران سوسیالیسم یک ضرورت عاجل است. بحث صرفاً بر سر دو مکتب یا دو دیدگاه مختلف اقتصادی نیست. بحث بر

محمد کاظمی: شما اخیراً در پیامی خطاب به مردم ایران گفته اید: "شما با مبارزاتتان علیه جمهوری اسلامی این حکومت را در آستانه سقوط قرار داده اید. هر روز که به سرنوشتی این حکومت نزدیک تر میشویم این سؤال هم بیشتر در اذهان عمومی و در جامعه مطرح میشود که چه نیرویی واقعا میتواند انقلاب ما را به پیروزی برساند و بساط جمهوری اسلامی را از جامعه جارو کند." در آخر پیامتان هم گفته اید که "این حزب است که میخواهد پرچم سوسیالیسم را برافرازد و جامعه را به طرف یک نظام انسانی، آزاد، برابر و مرفه سوسیالیستی رهنمون شود." و به همین خاطر از مردم خواسته اید که به حزب بپیوندند. در برنامه امروز میخواهیم در این مورد که حزب رهبر چه ویژگیهائی داشته باشد، صحبت بکنیم. اجازه بدهید با این سؤال شروع کنیم که حزبی که به صراحت اعلام میکند میخواهد سوسیالیسم را در ایران برقرار بکند چقدر شانس موفقیت دارد؟ اتکانتان به چه نیروهائی هست؟

حمید تقوایی: قبل از هر چیز باید بگویم که سوسیالیسم برای جامعه ایران یک نیاز و ضرورت عینی است. همه میدانیم یک مساله اصلی که مردم ایران را به حرکت درآورده و باعث اعتراضات گسترده ای شده است اینست که اقتصاد جامعه فلج است. بیکاری، گرانی، فقر، فلاکت بیداد میکند و علیرغم همه تمهیدات و تسلیفات حکومت مبنی بر اینکه با برجام سرمایه گذاری میشود و مشکلات حل میشود و چرخهای اقتصاد براه می افتد و غیره - که امروز دیگر حرفش را هم نمی زنند- می بینیم که وضع هر روز بدتر شده است. این وضعیت وخیم اقتصادی را نمیشود با حفظ سرمایه داری و سودآوری و استثمار و بردگی مزدی حل و فصل

## تحریم ها و بیکارسازی ها

از صفحه ۱

عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی در گفت‌وگویی با ایلنا در بیست و چهارم مرداد ضمن اشاره به همین موضوع می‌گوید: "شرکت‌ها بهانه می‌آورند که در جنگ اقتصادی هستیم و دشمن کمرمان را شکسته است. بهانه می‌آورند که داریم ضرر می‌دهیم. بهانه می‌آورند که دولت پشت‌مان نیست. پرسش این است که ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رانتی که از محل واردات با دلار ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی نصیب شرکت‌ها شده کجا رفته است؟ مگر همین مونتاژکاران و خودروسازان نبودند که براساس آمار گمرک در سه ماهه منتهی به پایان خردادماه سال جاری با ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی که باید برای کالاهای اساسی اختصاص می‌یافت، حدود ۷۸۰ میلیون دلار انواع قطعات خودرو را به کشور وارد کردند؟"

یک موضوع اصلی جدال حکومتیان در این آمار و ارقامی که به سر یکدیگر می‌کوبند، جنگ هویتی شان بر سر موضوع رابطه با آمریکا و غرب است. از جمله خامنه ای در همین روزهای اخیر از اینکه اشتباه کرد که به برجام رضایت داد به غلط کردم افتاد و جناح مقابل نیز از اینکه جمهوری اسلامی ۴۰ سال تمام راه اشتباه رفته و به جای تعامل با دنیا انزوا را برگزیده است، داد سخن می‌دهد. اما با برجام و یا بی برجام چیزی جز فقر، فلاکت و بی‌تامینی و محرومیت از اولیه ترین نیازهای زندگی، نصیب مردم نشده است. این حکومتی است که با بحران اقتصادی زاده شده و با انداختن هر روز بیشتر بار آن بر گرده کارگران و کل مردم استثمار را به نقطه غیرقابل تحملش رسانده است. حول اینکه با برجام اقتصاد شکوفا خواهد شد و با جذب سرمایه های

غرب اشتغال ایجاد میشود جنجال‌ها کردند، اما اقتصاد رژیم اسلامی همچنان در بن بست خود دست و پا زد و امروز به باتلاقی تبدیل شده است. اکنون هم که تحریم‌ها باز میگردد، باز این مردم هستند که قربانی میشوند. از جمله یک بازتاب مهم این تحریم‌ها بالا رفتن بیسابقه نرخ ارز و سقوط ریال بود که بار دیگر صف اعتراض مردم را در شهرهای مختلف علیه فقر، بیکاری و جهنمی که جمهوری اسلامی به پا کرده است، به خیابان کشاند. همچنین همانطور که اشاره کردم بنا بر اظهارات خود مقامات حکومتی موجی از بیکارسازیها نیز در پیش است. اما اظهارات فوق از سوی حکومتیان بیش از پیش صف متشتت و بهم ریخته آنان و ابعاد دیگری از دزدیها و رانت خوری هایشان را مقابل چشم جامعه قرار میدهد. این اظهارات بیش از بیش از بحران همه جانبه سیاسی و اقتصادی این حکومت که اقتصادش به گل نشسته است، پرده بر میدارد. این اظهارات در عین حال برای کارگران و کل جامعه هشدار دهنده است و مقابله سازمانیافته و قدرتمند کارگری و کل جامعه را طلب میکنند. واقعیت اینست که رابطه با آمریکا یک پارادوکس لاینحل برای حکومت اسلامی و هم برای آمریکاست. از یک طرف جمهوری اسلامی به رابطه با غرب نیاز دارد تا بتواند به بازار جهانی راه پیدا کند و اقتصاد مرده اش را تکانی دهد. از سوی دیگر هویت این رژیم ضدیت با آمریکا و غرب تعریف شده است و این هویتی است که تروریسم اسلامی در منطقه از آن تغذیه میکند. در داخل نیز دشمنی با آمریکا همواره چماقی برای سرکوب مردم بوده است. موضوع اینجاست که در منگنه این تناقض و در بازار بخور

بخورهای حکومتیان و دزدی‌ها و چپاولگری هایشان، اقتصاد رژیم اسلامی به بن بست کامل رسیده است. از همین روست که این جدال امروز به نقطه اوج خود رسیده است. در مقابل این شرایط مردمی قرار دارند که زندگی شان به اوج تباهی رسیده است. بیکاری بیداد میکند و آمارها از موج جدید بیکارسازیها گزارش میدهد. در تقابل با این شرایط است که جنبش سرنگونی با خیزش دیماه با قدرت بیشتر دوباره سر بلند کرد و امروز یک شعار اعتراضی مردم مرگ بر بیکاری، مرگ بر گران است. در مقابل این شرایط است که مردم با شعار "همش میگن آمریکاست، دشمن ما همین جاست"، کل حاکمیت را به چالش میکشند. بنابراین پاسخ کارگران و مردم در برابر جهنمی که جمهوری اسلامی به پا کرده است، فشرده کردن اعتراضات و جارو کردن کل بساط سرمایه داران مفتخور حاکم است. همین امروز هزاران کارگر خودرو سازیها که زندگی و معاششان چنین به خطر افتاده و بیکارسازیها تهدیدشان میکند، با خانواده هایشان نیروی بزرگی هستند که باید در دفاع از معیشتشان به میدان آیند و سدی در مقابل بیکارسازیهایی که در راه است بشوند. جمعیت میلیونی نیروی بیکار که هر روز بر شمارشان اضافه میشود، باید به تدارک اعتراضی سراسری برخیزند و با متحد کردن صف اعتراض خود علیه فقر و فلاکتی که زندگی هستی شان را دارد به تباهی میبرد بایستند. در تقابل با این وضعیت اعتصاب سراسری کارگری یک پاسخ فوری است. باید شوراهای اعتراضات را در همه جا به پا کرد. نیروی وسیع میلیونی خود را در گروههای مدیای اجتماعی گرد آورد و به استقبالش رفت. همه شواهد حکایت از سیر انقلابی اوضاع

دارد، مردم هر روز با خیزش های انقلابی خود در این شهر و در آن شهر به میدان می آیند، با سازماندهی شوراهای اعتراضات در تمام شهرها و با اعلام خواستههای فوری و اهداف فوری انقلابان به میدان آییم و کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی را جارو کنیم. چهار دهه است که جمهوری

اسلامی بر گرده مردم حکومت کرده است و استثمار و توحش و بردگی را به نقطه بی نهایت رسانده است. این حکومتی است که پایه و اساسش بر دزدی، رانت خوری و چپاول جامعه بنا شده و زندگی مردم را به قعر نابودی کشانده است. مردم کل این بساط جهنمی را نمی خواهند.

## بازداشت و شکنجه دو فعال سیاسی در کردستان را شدیداً محکوم می کنیم!

روز جمعه ۱۲ مرداد ۹۷ دو تن از اعضای حزب پارت آزاد کردستان (پاک) به ناچای هوشمند علی پور، اهل سردشت و محمد استاد قادر، اهل سقز از سوی نیروهای جمهوری اسلامی دستگیر شدند. در جریان این دستگیری محمد استاد قادر با گلوله زخمی شد و این فعالین سیاسی هر دو مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفتند.

بنا به اطلاعیه ای که خانواده علی پور منتشر کرده است، این دو تن به جای نامعلومی منتقل شده اند و کسی از سرنوشت دقیق آنها خبر ندارد. هر دو زندانی زیر شکنجه وادار به اعترافات اجباری شده اند و جمهوری اسلامی در بخش اخبار شبانهگهی ۲۰:۳۰ مورخ ۱۶ مردادماه ۹۷ اعترافات این دو تن از اعضای حزب پاک را منتشر کرده است.

هه ژار علیپور برادر هوشمند علیپور در اطلاعیه ای بنا به منابع موثق اعلام کرده است که برادرش به شدیدترین وجه ممکن مورد شکنجه قرار گرفته است.

کمیته بین المللی علیه اعدام این رفتار جنایتکارانه جمهوری اسلامی در برخورد به فعالین سیاسی را

شدیداً محکوم می کند. جمهوری اسلامی باید فوراً به شکنجه دستگیر شدگان و گرفتن اقرار اجباری از آنها خاتمه دهد. حتی بنا به قوانین بین المللی رفتار با اسیران جنگی نیز باید مطابق با موازین انسانی صورت گیرد.

از نظر ما این حق طبیعی خانواده های دستگیر شدگان است که فوراً از محل بازداشت این دو زندانی اطلاع یابند و امکان دیدار فوری با عزیزانشان فراهم شود تا بتوانند وکلای مناسبی برای دفاع از دستگیرشدگان اختیار کنند.

بطور قطع بکارگیری هر گونه خشونت و شکنجه علیه این دو زندانی با اعتراض جهانیان و رسوایی بیشتر برای جمهوری اسلامی همراه خواهد بود.

کمیته بین المللی علیه اعدام خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی است و از همه می خواهد برای نجات جان هوشمند علی پور و محمد استاد قادر تلاش کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۰ مرداد ۱۳۹۷ -  
۱۱ اوت ۲۰۱۸



## بازتاب هفته

کاظم نیکخواه

### قانون تساوی ارث زن و مرد در تونس

محمد باجی قائد السبسی رئیس‌جمهور تونس روز دوشنبه این هفته لایحه برابری حقوق زن و مرد در زمینه ارث را به مجلس تقدیم کرد. با اعلام این لایحه به مجلس تونس که به احتمال زیاد تصویب خواهد شد هزاران نفر در پایتخت تونس به جشن و شادمانی پرداختند.

حقیقت اینست که قانون اساسی کشور تونس از تمام کشورهای دیگر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پیشرفته تر است و حقوق بیشتری برای زنان قائل است. در قانون اساسی تونس که پس از سقوط دیکتاتور سابق این کشور بن‌علی در سال ۲۰۱۴ به تصویب رسید، حقوق سیاسی شهروندان تضمین شده است، نقش مذهب محدود شده، آزادی عقیده و بیان و تشکل برسمیت شناخته شده و ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان مجاز اعلام شده است. اما یک چیز که در این قانون مدام مورد اعتراض زنان و مردان پیشرو بوده قانون ارث است که در آن زنان نصف مردان ارث دارند. این یک قانون شناخته شده در اسلام است و در سال ۲۰۱۱ که انقلاب تونس صورت گرفت جدال میان سکولارها و

اسلامی ها در تمام زمینه ها و از جمله مساله ارث زنان اوج گرفت. نهایتا اسلامی ها در خیلی از زمینه ها عقب رانده شدند اما توانستند این سنت تبعیض آمیز را در قانون اساسی جدید تونس که در سال ۲۰۱۴ تصویب شد وارد کنند. اکنون رئیس‌جمهور تونس میگوید لایحه برابری زن و مرد در قانون ارث را به مجلس ارائه کرده است.

عقب راندن اسلامی ها از این سنگر و اعلام برابری زن و مرد در قانون ارث، ضربه دیگری به جنبش ارتجاعی اسلامی خواهد بود. گامهایی که مردم تونس در زمینه حقوق سکولار و شهروندی برداشته اند برای کل مردم منطقه خاورمیانه آموزنده و حیاتی است. سنگر اصلی ارتجاع اسلامی در ایران است که مردم ایران دست به کار پایان دادن به حیات پر از جنایت و چپاول آن هستند. انقلاب ایران میتواند آخرین سنگر ارتجاع اسلامی سرمایه داران را نیز در هم بکوبد و جامعه ای مدرن و آزاد و برابر را رقم بزند. بشریت عمیقا به چنین تحولی نیاز دارد.

### قاتل برجام کیست؟

خامنه ای این هفته گفت "در موضوع مذاکرات (برجام) بنده اشتباه کردم و به اصرار آقایان اجازه تجربه را دادم که البته از خطوط قرمز معین شده هم عبور کردند". از جنبه های مختلفی این سخن خامنه ای مورد بحث قرار گرفته است. اما یک نکته جالب که کمتر بحث شده در مورد خود برجام است.

برجام پدیده جالبی است. سران چندین دولت ماهها نشستند و نهایتا به توافقی دست یافتند و آنرا با ساز و دهل اعلام کردند و بعد دو خردا دپها و لیبرال اسلامی ها مدتها زیر علم و کتل برجام سینه زدند و جنجال راه انداختند و آنرا توی سر مخالفین حکومت اسلامی زدند که روحانی دارد کارها را درست میکند و بزودی سیل سرمایه ها به ایران سرازیر خواهد شد. از آن طرف اوباما و دولتهای اروپایی هم باد در غبغب انداختند که با برجام بالاخره دیو اسلامی را در شیشه کرده اند. اما ظاهرا همه چیز به بادی بند بود. ترامپ سرکار آمد و همه چیز خراب شد. اکنون دولت آمریکا میگوید اشتباه کردیم که به برجام تن دادیم. خامنه ای میگوید اشتباه کردیم که به برجام تن دادیم. دولتهای اروپایی میگویند تغییرات و اصلاحاتی باید در برجام صورت گیرد تا بشود آنرا حفظ کرد و روحانی و شرکا هم حاج و واج به این طرف و آن طرف نگاه میکنند و مانده اند که چه بگویند و چه کنند که اوضاع از این خرابتر نشود.

آیا اگر آدمی "معقول" تر از ترامپ در آمریکا سرکار می آمد اوضاع گل و بلبل نمیشد؟ برجام سر جایش

## دریای خزر و ناسیونالیسم ایرانی

منابع خزر توسط دولت آذربایجان انجام میگیرد که از گاز و نفت و دیگر منابع آن وسیعا بهره برداری میکند. ایران کمترین بهره برداری از خزر را تاکنون انجام داده است. کشاکشها تا کنون بر سر حقوق دولتهای ساحل خزر جریان داشت.

پیمان آکتائو در واقع چیزی را روشن نمیکند و کل این کشاکش را مکتوم میگذارد. و این ایراد اساسی آنست. این پیمان روشن نمیکند که مدیریت و توزیع سواحل و منابع آن چگونه خواهد بود. تنها اعلام شده است که پنج کشور از آبهای سطحی خزر مشترکا استفاده خواهند کرد به این معنی که دسترسی هر پنج کشور یکسان و فارغ از سهم آنها از ساحل خزر خواهد بود اما بستر خزر و منابع طبیعی آن تقسیم خواهند شد. در نتیجه این پیمان جدالها و کشاکشها را اساسا دست نخورده باقی میگذارد تا در آینده بسته به شرایط سیاسی این کشورها فوران کند و زندگی مردم را بخطر بیندازد.

پیمان آکتائو روشن است که بدر نمیخورد. اما نه با استدلالات خطرناک ناسیونالیستهای کف بر دهان آورده که برای دامن زدن به جنگهای بعدی رجز خوانی میکنند. بلکه برای رفع ابهامات و بر اساس تفاهم و اتحاد همه مردم حاشیه خزر و به منظور پایان دادن به تمام کشاکشهای مرزی و ساحلی و جلوگیری از کشاکشها و جنگها و کشتارهای بعدی. سیاست انسانی بلشویکها در سال ۱۹۲۱ و نشان دادن سعه صدر در مرزها نمونه آموزنده ای را پایه ریزی کرد که باید چراغ راهنمای همه مردم باشد. زندگی تک تک انسانها بسیار ارزشمند است و نباید فدای جنگها و مرزها و کشورگشائی ها شود. اگر قدرت دست طبقه کارگر و مردم متمن باشد جنگ ها و کشاکشها و کشتارها هم با همبستگی انسانی میان مردم جهان برای همیشه تمام میشود.

روز یکشنبه این هفته ۲۱ مرداد نمایندگان دولتهای روسیه، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری اسلامی یعنی پنج کشور حاشیه خزر، بر سر اصول تقسیم خزر توافقی را امضا کردند. در این پیمان از سهم مشخص هر کشور سخنی گفته نشده است اما ظاهرا هر پنج کشور از سهم مساوی ای برای استفاده از خزر برخوردار خواهند شد. از همین چند روز پیش که این پیمان امضا شد طیفهای مختلف ناسیونالیست ایرانی سروصدایشان بلند شده است که چرا سهم ایران برابر بقیه تعریف شده است. در صورتیکه باید ۵۰ درصد متعلق به ایران باشد و ۵۰ درصد متعلق به چهار کشور دیگر. در صورتیکه ساحل ایرانی خزر تنها ۱۱ درصد از کل خط ساحلی آنرا تشکیل میدهد. استدلال جریانات ناسیونالیست ایرانی متکی به پیمانهایی است که قبل از فروپاشی شوروی بین ایران و دولت شوروی بسته شده بود.

حقیقت اینست که ایران از زمان قاجار سهم چندانی از خزر برخوردار نبود و با قراردادهای استعماری مختلفی که قاجار با حکومت تزاری بسته بودند که مشهورترین آن معاهده ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ میلادی است ایران عملا هیچ حاکمیت و حتی اجازه حضور در دریای خزر و کشتی رانی و قایق رانی را هم نداشت. با پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه در سال ۱۹۱۷ تمام این قراردادهای امتیازهای استعماری توسط دولت بلشویکی ملغا اعلام شد و دولت جدید شوروی تصویب کرد که استفاده از خزر بین ایران و شوروی بطور مساوی خواهد بود. یعنی پنجاه پنجاه. از آن زمان تا فروپاشی شوروی این توافق ها که بسیار به نفع ایران بود رسمیت داشت. اما با فروپاشی شوروی و تقسیم این کشور، در حاشیه دریای خزر بجای دو کشور پنج کشور ظاهر شدند و جدالی آشکار و نهان بر سر خزر شروع شد. بیشترین استفاده از

البته ناگفته نماند که با این تحول جدید نوع دیگری از شارلاتانیسم را شاهد هستیم. این بار طیفهای طرفدار سلطنت دوباره مثل دوره جرج بوش یاد "رژیم چنج" آمریکائی افتاده اند و میخواهند مردم را با توهم "رژیم چنج" نوع ترامپ سرگرم کنند. غافل از اینکه ترامپ میخواهد با این حکومت سر میز مذاکره بنشیند و این را علنا اعلام کرده است. اما مردم ایران دست به کار به زیر کشیدن کامل و ریشه ای این حکومت هستند و با هیچ برجام و مذاکره و عقب نشینی و حتی "رژیم چنج" سازگاری ندارند و کوتاه نخواهند آمد.

## کارگران در هفته ای که گذشت

### شهلا دانشفر

#### کارگران گروه ملی فولاد اهواز دوباره به میدان می آیند

شد. اما معضلات کارگران به جای خود باقیماند و از تیر ماه تا کنون تنها وعده و وعید به آنان تحویل داده شده است.

بدنبال این اتفاقات است که کارگران گروه ملی اکنون برای روز ۲۷ مرداد فراخوان به تجمع داده اند. کارگران گروه ملی اولتیماتوم داده اند که در صورت عدم دریافت پاسخ مناسب، بانک ملی را مسئول می دانند. کارگران با فراخوان بیست و هفتم مرداد ماه اعلام کرده اند که آماده اند که به خیابان بیایند و خواستهایشان را طلب میکنند.

پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده، داشتن امنیت شغلی و بهبود وضعیت معاش کارگران و متوقف شدن احضارها و لغو پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران معترض از جمله خواستهای فوری کارگران گروه ملی فولاد اهواز است. ۴ هزار کارگر گروه ملی فولاد اهواز در تجمعات اعتراضی قدرتمندشان در یکساله اخیر علاوه بر حقوقهای معوقه با شعارهایی چون مرگ بر ستمگر، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده ندارد، دزدان بیرون، کارگران زندان و با مارش چند هزار نفره خود در خیابانهای شهر، کل بساط چپاول و سرکوب و تبعیض و نابرابری حاکم را به چالش کشیده اند. این اعتراضات به لحاظ خواستها و اشکال اعتراض و نقش فعال خانواده ها و جلب حمایت مردم دستاوردهای ارزشمندی برای این کارگران و کل جنبش کارگری داشته است. دخالت و شرکت فعال خانواده ها در تجمع بیست و هفتم مرداد ماه نیز جایگاه مهمی در پیشبرد قدرتمند تر اعتراضات این کارگران دارد. با فراخوان کارگران گروه ملی به تجمع بار دیگر توجهات به سمت آنان جلب شده است. خصوصا خبر در شهر اهواز که همواره از اعتراضات این کارگران تاثیر گرفته است، انعکاس وسیعی داشته است. یک وجه مهم دیگر در تقویت مبارزات این کارگران حمایت وسیع مردم است. و بالاخره تشکیل شورای سازمانده اعتراضات جایگاه مهمی در متحد

کارگران گروه ملی فولاد اهواز طی فراخوانی برای ساعت ۹ صبح روز ۲۷ مرداد ماه در اعتراض به خلف وعده های مدیریت و برای پیگیری خواستهایشان فراخوان به تجمع داده اند. چهار هزار گروه ملی فولاد اهواز اولتیماتوم داده بودند که اگر تا آخر هفته خبری نشود، اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت، و از آنجا که پاسخی نگرفته اند، فراخوان به این تجمع داده اند. در بخشی از این فراخوان چنین آمده است:

"چند هفته است که مدیریت وعده امروز و فردا و این هفته و هفته آینده را میدهد، ولی هر دفعه خلف وعده نموده و گویا دچار فراموشی در وفای به عهد شده اند. ولی کارگران شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در وفای به عهد و ایستادگی پای حرفهای خود شهر هستند و اگر وعده ای دهند به آن وعده عمل خواهند کرد."

کارگران گروه ملی سه ماه مزد خود را طلب دارند و این در حالیست که روز ۲۰ مرداد تعدادی از آنان با اتهام شرکت در اعتراضاتی که در خرداد ماه داشتند، به شعبه ۱۲ دادگاه انقلاب اسلامی اهواز احضار شدند. کارگران احضار شده در خرداد ماه دستگیر و با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیونی آزاد شده بودند.

بیش از ۴ هزار کارگر گروه ملی در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد و حق بیمه شان و با خواست به راه افتادن تولید و حفظ اشتغالشان در خرداد ماه ۹۷ اعتراضات جانانه را به پیش بردند. در جریان این اعتراضات ۵۲ نفر از کارگران بازداشت شدند که کارگران با شدت دادن به اعتراضاتشان و مارش قدرتمندشان در وسط شهر با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، موفق به آزادی تمامی همکاران بازداشتی خود شدند. همچنین زیر فشار اعتراض کارگران موسوی از مدیریت برکنار و مالکیت این شرکت موقتا به بانک ملی واگذار

کردن چهار هزار کارگر گروه ملی و خانواده هایشان دارد. نقش این شوراها را در اعتصابات قدرتمند رانندگان کامیون و کامیونداران به روشنی میتوان دید. همچنین با اتکاء به همین شکل از سازماندهی و گرد آمدن در گروه های تلگرامی در مدیای اجتماعی تا هم اکنون کارگران راه آهن توانسته اند اعتصابات سراسری خود را به جلو برند و این اعتراضات هنوز هم ادامه دارد. این تجربیات برای کارگران گروه ملی و برای همه کارگران در زمینه سازماندهی بسیار ارزشمند است و باید از آن آموخت. از اعتراضات و خواستهای کارگران گروه ملی فولاد اهواز وسیعا حمایت کنیم.

#### شلاق ممنوع

بدنبال صدور حکم وحشیانه زندان و شلاق برای محمد حبیبی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران به ده سال و نیم حبس و ۷۴ ضربه شلاق موجی از اعتراض به راه افتاده است. در این راستا بیانیه های بسیاری از سوی تشکلهای معلمان، کارگران و سازمانهای بین المللی کارگری در محکومیت این حکم جنایتکارانه قرون وسطایی انتشار یافته است. یک خواست مهم این بیانیه ها لغو فوری احکام امنیتی صادر شده برای محمد حبیبی و آزادی فوری و بدون قید و شرط وی است. در این بیانیه ها حکم شلاق که از مصادیق قوانین ارتجاعی مجازاتهای اسلامی است، بشدت مورد اعتراض قرار گرفته است. تا کنون تشکلهای مختلف از جمله شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی، کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین، انجمن صنفی معلمان کردستان (سقر و زیویه)، جمعی از فعالان صنفی معلمان استان البرز، فرم نگار حمایتی جمعی از فعالان مدنی، آموزش بین الملل BI، اتحادیه ی آزاد کارگران ایران، هسته ی کنشگران صنفی استان مازندران، شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا،

میدان آمده و علیه بساط فقر، تبعیض و توحش حکومت اسلامی می ایستند، رژیم اسلامی با احکام زندان و شلاقش میکوشد چنگ و دندان به مردم نشان دهد.

پاسخ گستاخی رژیم اسلامی و صدور احکام جنایتکارانه اش علیه محمد حبیبی اعتراضات سراسری معلمان و همه مردم است. با گسترده تر کردن اعتراضاتمان در همه جا این جانبان سرکوبگر را عقب بزنیم. باید احکام جنایتکارانه صادر شده برای محمد حبیبی فوراً لغو شود. محمد حبیبی باید فوراً آزاد شود.

در عین حال يك عرصه مهم نبرد ما مبارزه با قوانین ارتجاعی اسلامی و مجازات وحشیانه شلاق است. باید شلاق را از دستان خون آلود جنایت کار جمهوری اسلامی خارج کرد. شلاق به هر بهانه و برای هر جرمی يك توحش است و باید ممنوع شود.

## دستگیری هوشمند علیپور و محمد استاد قادر را محکوم میکنیم

خشم و اعتراض جاری مردم علیه حکومت اسلامی را بیش از پیش افزایش خواهد داد. رژیم اسلامی که با موج میلیونی اعتراض و مبارزه مردم روبرو و دچار سراسیمگی شده است میکوشد با دستگیری و بازداشت فعالین سیاسی به مردم چنگ و دندان نشان دهد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری بازداشت و دستگیری هوشمند علیپور، محمد استاد قادر را محکوم میکند و از مردم مبارز میخواهد که با تجمع در مقابل زندان حکومت اسلامی دست به اعتراض زده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط این دو فعال سیاسی و همه زندانیان سیاسی شوند.

سرنگون باد حکومت اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۰ مرداد ۹۷



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiiran.org

از صفحه ۶

در برابر این وضعیت بمیدان آمده است و حزب ما نتیجه این عرض اندام اجتماعی - سیاسی طبقه کارگر هست. به این اعتبار در یک سطح پایه ای و اجتماعی رابطه اجتماعی تنگاتنگی بین حزب کمونیست کارگری و طبقه کارگر وجود دارد.

حزب کمونیست کارگری همانند طبقه کارگر ایران می‌خواهد دیکتاتوری سرمایه را درهم بشکند. این حزبی است که بر مبنای اعتراض به همین وضعیت شکل گرفته است؛ با یک دید و برنامه و سیاستهای روشن و نقد پایه ای به شرایط ایران، با توضیح و تبیین درست زمینه های دیکتاتوری، با توضیح درست ضرورت سیاسی و امروزی حکومت مذهبی، اینکه اسلام چه نقشی بازی میکند، جنبش اسلام سیاسی کجا ایستاده است و در دنیا چه ضروریاتی باعث شده است این جنبش سر بلند کند و این فجایع را در جامعه ایران و در منطقه بوجود بیاورد. اینها نظریات و سیاستهای حزب ما است و اینها نقد طبقه کارگر به شرایط سیاسی امروز است.

به این اشاره کردید که طبقه کارگر ایران هنوز از تشکلهای صنفی خودش محروم است. البته نهادهایی متشکل از فعالین جنبش کارگری شکل گرفته اند ولی تشکلهای توده ای کارگری هنوز ایجاد نشده. این هم یکی از عوارض دیکتاتوری است. در زمان گورستان آریامهری هم از تشکلهای اتحادیه های توده ای کارگری خبری نبود. آن موقع هم کارگر نمی توانست نفس بکشد. قبل از آنهم وضع همین بود. همانطور که توضیح دادم هر شکلی از حکومت سرمایه، سلطنتی و یا اسلامی و یا هر شکل دیگر، ناگزیر است سرکوب کند و اجازه ندهد کارگران متشکل بشوند و متحد باشند برای اینکه بتواند قدرت سیاسی خودش را حذف کند. اما نکته مهم اینست که جمهوری اسلامی با همه توحش اش نتوانسته فضای اختناق گورستان آریامهری را احیا کند. مبارزات کارگری و بخشهای مختلف مردم همواره ادامه داشته

است و حتی با استفاده از مدیای اجتماعی بعضا ابعاد سراسری و گسترده ای یافته است. ما معتقدیم با بکار گرفتن مدیای اجتماعی کارگران میتوانند تشکلهای توده ای خود را تشکیل بدهند و این یک هدف و وظیفه محوری ما در جنبش کارگری است.

اجازه بدهید در اینجا به یک نکته دیگر هم بپردازم. مقابله با جمهوری اسلامی از دید طبقه کارگر مستلزم آنست که کل جامعه را پشت پرچم نقد و اعتراض سوسیالیستی به وضع موجود بسیج کنیم. اکثریت عظیم جامعه میتواند به این صف بپیوندد. در فرهنگ سیاسی امروز این اکثریت عظیم نود و نه درصدی ها نامیده میشوند. نود و نه درصدی ها در مقابل یک درصدی ها حاکم که همه سرمایه دارند. در ایران آیت الله های میلیاردر و وابستگان و اعوان و انصارشان یک درصدیهای مفتخور را نمایندگی میکنند. اکثریت عظیم مردم همگی کارگر نیستند ولی منافع شان ایجاب میکند که این یک درصد خلع ید بشود. این پرچم را باید طبقه کارگر و حزب ما بعنوان حزب طبقاتی کارگران بلند کنیم و جامعه را بسیج کنیم علیه وضعیت موجود. هر گوشه و هر جایی که تبعیضی هست، هر جا مبارزه ای هست، حضور داشته باشیم و در آن عرصه معین حکومت را بجالش بکشیم. یک اصل و نکته محوری اینست که طبقه کارگر به نمایندگی از اکثریت عظیم مردم محروم و بی حقوق یعنی اکثریت عظیم زنان، جوانان، مردم منسوب به مذاهب دیگر، کارمندان دوز پایه دولت و بخشهای مختلف جامعه که آنها هم تحت فشار هستند، سر بلند کند و صدای همه آنها در مقابله با یک درصدیهای اسلامی حاکم باشد. این امر یک وظیفه و هدف محوری حزب ما است.

محمد کاظمی: از اکثریت عظیم مردم و از نود و نه درصدیها صحبت کردید. واقعیت اینست که انقلاب یک امر همگانی است و مختص طبقه کارگر نیست. خواسته هائی نظیر سکولاریسم و لغو حکم اعدام و لغو حجاب

اجباری و آزادی زندانیان سیاسی و تساوی حقوق بین زن و مرد عمومی است و این روزها از نیروهای چپ گرفته تا راست از این خواستها حمایت میکنند. خواستهائی که زمانی خواستههای دمکراتیک نامیده میشد. حال سؤال اینست که چرا مردم و نود و نه درصدیهای که جزو طبقه کارگر نیستند برای رسیدن به این خواستها باید بیایند بزیر پرچم یک حزب سوسیالیستی؟ حمید تقوایی: بخاطر اینکه این حزب بوده است که در همه عرصه هائی که شما گفتید پرچمدار مبارزه بوده است. در عرصه عمل در خیابان و در مبارزه میدانی. بله این درست است که خیلی از نیروها اپوزیسیون امروز علیه اعدام هستند. نیروهای سلطنت طلب، جمهوریخواهان و حتی بخشهایی از دو خردادها و مجاهدین و غیره. اما مبارزه عملی علیه اعدام را چه حزبی به پیش برده است؟ چه حزبی عملا عده زیادی را از اعدام نجات داده است؟ میشود اینها را با اسم و رسم لیست کرد. جواب روشن است. حزب کمونیست کارگری و کمیته بین المللی علیه اعدام این نبرد را به پیش برده اند. این را همه میدانند. نمونه دیگر مبارزه علیه سنگسار است. حزب ما توانسته است عملا سنگسار را ملغی کند. دیگر جمهوری اسلامی جرات ندارد لااقل در سطح علنی - آنطور که قبلا بود - به این جنایت دست بزند. کمپین جهانی علیه حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی که حزب ما نیروی فعال و سازمانده آن بود لغو عملی سنگسار را به جمهوری اسلامی تحمیل کرد.

حزب ما بوده است که در خارج کشور بطور مستمر و سیستماتیک در برابر جمهوری اسلامی ایستاده است و در موارد متعددی آنرا به عقب رانده است. از کنفرانس برلین گرفته تا همین اواخر مقابله با حضور شاهرویی و سروش. ما میخواهیم جمهوری اسلامی را از خارج کشور جارو کنیم و فعالیتهای موفقتری در این زمینه داشته ایم.

حزب ما در عمل پرچم مبارزه علیه سنگسار، علیه اعدام، علیه اسلام سیاسی، علیه مذهب علیه بیحقوقی زن، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای خلاصی فرهنگی

جوانان و در هر عرصه ای که ظلم و تبعیض بیحقوقی ای هست بلند کرده است. این مبارزه خوشبختانه با چنان قدرتی پیش رفته است که امروز حتی سلطنت طلبها هم با اعدام مخالفت میکنند و یا مدعی سکولاریسم هستند. ولی آیا شما یک کمپین و کارزار و نبرد معینی علیه اعدام و یا علیه قوانین و تبعیضات مذهبی و سایر موضوعاتی که اشاره کردم میتوانید پیدا کنید که یک سلطنت طلب مبتکر و سازمانده و رهبر آن باشد؟ مقدسات آنها چیزهای دیگری است. امر و ارزشهای آنها چیزهای دیگری است. امر آنها حقوق بشر بقول خودشان کورش کبیری، افتخارات ملی - میهنی، تمامیت ارضی، مالکیت بر سه جزیره، فرهنگ آریائی و غیره است. اینها موضوعاتی است که برای نیروهای راست برجسته است و در فعالیتها و تبلیغاتشان موج میزند.

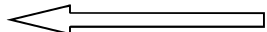
در مقابل، حزب ما برای ارزشهای انسانی، ضد تبعیض، برابری طلبی، آزادی، دفاع از جوانان و خلاصی فرهنگی، دفاع از حقوق همجنسگرایان، و علیه مذهب، علیه حجاب و آپارتاید جنسی و علیه اسلام سیاسی و علیه مقدسات و تابوهای مذهبی - قومی - ملی - میهنی مبارزه کرده است. اینها جبهه های نبرد حزب ما بوده است و توانسته ایم نقش موثری در شکل گیری یک گفتنمان و فضای عمومی چپ و رادیکال و پیشرو در جامعه ایفا کنیم. این حزب حزب طبقه کارگر است و به این اعتبار میتوان گفت که امروز پرچم مبارزه علیه هر نوع تبعیضی در همه عرصه ها در دست طبقه کارگر ایران است.

این نشانه پیشروی طبقه کارگر، حزب ما و کلا چپ در جامعه هست اگر می بینید نیروهای دیگری هم امروز با اعدام مخالفت میکنند. از ابتدا اینطور نبود. وقتی ما اعلام کردیم اعدام قتل عمد دولتی است نه تنها سلطنت طلبها - که وقتی در قدرت بودند خود پرونده سنگینی در اعدام مخالفان داشتند - بلکه حتی عده ای از نیروهای چپ، اعدام را بقول خودشان برای "ضد خلق" و "ضد انقلاب" مجاز میدانستند. امروز

خوشبختانه اینطور نیست و این یک دستاورد است. ولی نباید فراموش کرد که راست اهل این میدان نبوده و هنوز هم نیست. اکتیویستهای غیر کمونیست، هر اندازه هم دمکرات و طرفدار حقوق بشر، بدنال مبارزاتی که ما پرچمش را داشته ایم کشیده شده اند. برخی تازه رسیده اند به لغو گام بگام اعدام! و یا ادعای سکولاریسم دارند ولی حواسشان هست که حساب "روحانیت خوب" را از بد جدا کنند. هنوز هم تلاش دارند به نوعی مبارزه مردم را کند کنند و از رادیکالیسمش بکاهند. سعی میکنند به یک نوع سازشی بر سر مذهب، اعدام، حقوق زن و غیره برسند. میخواهند بیحقوقی و تبعیض علیه زن را این بار با ایراندخت و ایرانیت و نجابت زن ایرانی توجیه کنند. هدف راست اینست که با حداقل تغییراتی وضعیت موجود را حفظ کند. و ما میخواهیم تیشه به ریشه این وضعیت بزنیم.

محمد کاظمی: اجازه بدهید در مورد پراتیک و عملگرا بودن حزب رهبر کمی بیشتر صحبت کنیم. حزب کمونیست کارگری ایران اولین حزبی بود که گفت تا آنجا که به مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی بر میگرده داخل و خارج به یکدیگر متصل هستند و فکر کنم اولین بار زنده یاد منصور حکمت بود که گفت ما جمهوری اسلامی را در خارج کشور سرنگون میکنیم. معنی این حرف چیست؟ چقدر در این عرصه ما پیشرفت کرده ایم؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتید ما همیشه معتقد بوده ایم که مبارزه علیه جمهوری اسلامی فقط به ایران محدود نمیشود. ما خارج کشور را حتی پشت جبهه نمیدانیم. خارج خود بخشی از جبهه و بخشی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی است و در عمل بارها این را نشان داده ایم. هر چه بیشتر پیش میرویم مبارزه مردم ایران ابعاد جهانی تری پیدا میکند. بخصوص امروز با تکنولوژی مدیای اجتماعی و امکانات تماس و منظر و تبادل اطلاعات و حتی سازماندهی مبارزات در سطح جهانی مبارزات



مردم بیش از پیش خصلتی فراکشوری پیدا میکنند. این فقط مختص به ایران نیست. مثلا علیه حمله دولت آمریکا و موتلفینش به عراق در سال ۲۰۰۳ اعتراضات جهانی همزمان اگر اشتباه نکنم در بیش از ششصد شهر شکل گرفت. بدون استفاده از مدیای اجتماعی، که تازه در آن زمان به پیشرفتگی امروز نبود، این اتفاق نمی افتاد. در مورد ایران هم هر زمان برآمد مبارزاتی بوده است می بینیم خارج کشور هم در سطح گسترده تری فعال شده است.

شد و چهره های سرشناس چپ و آزادیخواه و حتی برخی مقامات دولتی در کشورهایی مثل فرانسه و ایتالیا به این کارزار پیوستند و برای آزادی سکینه و علیه مجازات سنگسار بمیدان آمدند. ما بالاخره موفق شدیم سکینه محمدی را از سنگسار نجات بدهیم. این یک نبرد جهانی بود. ما اجازه نداده ایم جمهوری اسلامی دیواری بلور جامعه بکشد، هر جنایتی در ایران مرتکب بشود و بعد در سازمان ملل و یا کنفرانسهای آن چنانی با لبخند از حقوق مردم و از مستضعفان دم بزند. ما اجازه نداده ایم جنایات و سیاستهای ضد انسانی این حکومت از دید مردم جهان پنهان بماند. به این معنا حزب ما در خارج کشور هم توانسته است نماینده مردم ایران باشد و نه تنها به عنوان نیروی حامی مبارزات آنها علیه جمهوری اسلامی بلکه بعنوان بخشی از این مبارزه فعال و بیشتاز باشد.

یک جنبه دیگر مبارزه ما در خارج مقابله با اقدامات و فعالیتهای نیروهای اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی در کشورهای اروپایی است. دولت‌های اروپایی سیاست سازشکارانه‌ای در قبال این نیروها دارند. جمهوری اسلامی و سایر دولت‌ها و نیروهای جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی بدنال مسجد سازی و اشاعه مناسک و قوانین و آداب و رسوم اسلامی نظیر حجاب و برقه و حتی برپائی دادگاههای شریعه در کشورهای غربی هستند و ما فعالانه در مقابل این نیروها و تلاشهای ارتجاعی شان ایستاده ایم. یک نمونه موفق مبارزه ما مقابله با سیاست دولت کانادا برای تشکیل دادگاههای اسلامی در آن کشور بود. ما موفق شدیم نه تنها این سیاست را متوقف کنیم بلکه مقامات دولتی ناگزیر شدند اعلام کنند به اصل یک کشور یک قانون وفادارند و به هیچ مذهبی اجازه نخواهند داد دادگاهها و قوانین خودش را داشته باشد.

نمونه دیگر سازمان و جنبش اکس مسلم است که امروزه نه تنها در کشورهای اروپایی بلکه در منطقه و کشورهای اسلامزده گسترش پیدا کرده و با استقبال

نیروهای سکولار و بویژه فعالین حقوق زن در این کشورها روبرو شده است. حزب ما پرچمدار مبارزه نه تنها علیه جمهوری اسلامی بلکه کل جنبش اسلام سیاسی در خارج کشور بوده است.

بدون حزب ما اسلاميون موفق شده بودند قوانین فوق ارتجاعیشان را علیه مهاجرین گریخته از کشورهای اسلامزده اعمال کنند. دولت‌های اروپایی و حتی نیروهای اصطلاح چپ طرفدار نسبیت فرهنگی نه تنها اهل این میدان نیستند بلکه عملا در کنار نیروهای اسلامی قرار گرفته اند. مقابله با این نیروها یک جبهه مهم نبرد ما در خارج کشور است.

عرصه های دیگر نبردهای ما مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، در دفاع از پناهندگان و در دفاع از حقوق کودکان است که در همه این عرصه ها فعالیتها و نهادها و پلاتفرمهای مبارزاتی حزب با استقبال فعالین در داخل کشور روبرو شده است.

شما به تز سرنگونی جمهوری اسلامی در خارج اشاره کردید ما پیرو این سیاست عملا در همه عرصه هایی که نام بردم مشغول جوار کردن جمهوری اسلامی از خارج کشور بوده ایم.

محمد کاظمی: بعنوان آخرین سؤال یکی از ویژگیهای حزب رهبر اینست که نه تنها با برنامه اش و تئوریه و سیاستهایش بلکه در عمل نیز می بایست آن چنان شایستگی و لیاقت و درایت از خودش نشان بدهد که در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی مردم به آن حزب بعنوان رهبر و اداره کننده جامعه اعتماد بکنند. چقدر حزب کمونیست کارگری توانسته است چنین تصویری از خود به جامعه ارائه بدهد.

حمید تقوایی: تا آنجا که به پراتیک مربوط میشود در جوابهای قبلی به نکاتی اشاره کردم. از نظر مردم این مهمترین عامل است. شما باید نه فقط به کارگران بلکه به کل مردم ایران در عرصه مبارزه نشان بدهید که کجا ایستاده اید و چه می‌خواهید. منظور من از مبارزه گسترده تر از عرصه میدانی و خیابانی است. مبارزه تبلیغی، مبارزه نظری، اینکه به چه

گفتمانهایی در جامعه دامن می‌زنید، چه موضوعاتی را برجسته میکنید، نقد و اعتراضات چیست و چقدر عمیق است و غیره. حزبی میتواند جامعه را به آزادی و برابری و رفاه برساند که ارزشهای جهانشمول انسانی مبنا و محور سیاستهایش باشد. حزبی میتواند دست به ریشه برد که از رهایی و آزادی و حرمت انسانی آغاز کند. سوسیالیسم پرچم این نقد عمیق و انسانی است. از نظر اقتصادی، از نظر سیاسی، و از نظر فرهنگی رهایی و آزادی جامعه تنها بر مبنای نقد سوسیالیستی به وضع موجود امکان پذیر است.

در مورد تناقض کاپیتالیسم با رفاه و آزادی در ابتدا توضیح دادم. در عرصه فرهنگی نیز دیدگاههای بورژوازی کاملا ارتجاعی اند. پست مدرنیسم و نسبیت فرهنگی بازگشت به دوران قرون وسطی است، دیدگاهی است که ارزشهای جهانشمول انسانی، مدرنیسم، تمدن و مدنیت، و برابری و آزادی و آخرین دستاوردهای بشریت را نفی میکند چون به هویتهای ساختگی مذهبی - ملی - میهنی - قومی متکی است. میگویند جامعه ایران اسلامی است و مستحق همین حکومت است. فردا قرار است با هویتهای ناسیونالیستی کورش کبیری و آریائی و غیره همین ساز را بزنند. ما مقابل این تبیین ها و دیدگاه ها و ارزشهای غیر انسانی ایستاده ایم. در نظر و عمل، در سیاست و در تئوری و در پراتیک.

در عرصه نظری و در پراتیک ما پرچمی را بلند کرده ایم علیه نفی هویت و خواستها و ارزشهای انسانی. هر نوع تبعیض و نابرابری هست ما علیه اش ایستاده ایم. از نظر ما مبارزه طبقاتی فقط به کارخانه محدود نمیشود. ما این دید مکانیکی و انتزاعی و اسکولاستیکی را از مبارزه طبقاتی قبول نداریم که گویا فقط در کارخانه ها و در تقابل بین کارگر و سرمایه دار مبارزه طبقاتی بروز پیدا میکند. گویا آنجا که شلاق می‌زنند، آنجا که سنگسار میکنند، آنجا که زن را از پایه ای ترین حقوقش محرم میکنند، آنجا که مذهب را مبنای سیاست و قوانین و اخلاقیات قرار میدهند و در

مدارس تدریس میکنند، اینها عرصه هایی از مبارزه طبقاتی نیست و گویا اینها اهرم هایی نیست که سرمایه داری ایران برای حفظ سلطه خودش بکار گرفته است.

ما تبیین و مفهوم وسیعی از مبارزه طبقاتی داریم و اعلام کرده ایم هر جا تبعیضی هست، هر جا بیحقوقی و محرومیت هست، ریشه اش سلطه سرمایه است و به همین خاطر مبارزه در همه این عرصه ها امر طبقه کارگر و امر ما کمونیستها است. همه جبهه ها جبهه مبارزه طبقاتی است و هر جا اعتراضی علیه محرومیت و تبعیض است برحق است.

ما تقسیم بندی مسائلی به دموکراتیک سوسیالیستی را قبول نداریم. همه تبعیضات در نظامهای امروز ریشه کاپیتالیستی دارند. ستم بر زنان به قدمت تاریخ است و فجایع مذهب و حکومت‌های مذهبی هم همینطور ولی اگر امروز اینها هنوز بیداد میکنند بخاطر حفظ سلطه و حاکمیت سرمایه است. حفظ نظام بردگی مزدی به این اهرم‌های سنتی اعمال بردگی نیازمند است و آنها را به کار گرفته است. هر تبعیضی طبقاتی است و ما علیه همه تبعیضات ایستاده ایم. در هر سطحی، از فاصله عمیق بین ثروتهای نجومی و فلاکت عمومی تا تبعیض نسبت به زنان و جوانان، تبعیض طبقاتی، ملی، مذهبی، جنسیتی و تبعیض نسبت به گرایشات جنسی. در تمام این عرصه ها فعال ترین و بیشتاز ترین نیرو حزب ما بوده است. این یک کارنامه چند دهه ساله است. و این کارنامه با برنامه یک دنیای بهتر، با سیاستهای حزب، با استراتژی حزب کاملا منطبق است. من همیشه

گفته ام ما حزبی هستیم که در اپوزیسیون منشا اثر بوده است. در اپوزیسیون انسانها را از اعدام و از سنگسار نجات داده ایم. فدراسیون پناهندگی که به ابتکار حزب و با دخالت کادرهای حزب فعالیت میکند به پناهندگان زیادی برای فرار از آن جهنم کمک کرده است. ما سنگسار را عملا ملغی کرده ایم. اسلام سیاسی را در اروپا و کانادا عقب نشانده ایم، کنفرانس برلین را

## اعلام موجودیت کمپین نجات هوشمند علیپور!

### جان یک جوان ۲۵ ساله در خطر است!

بنا به اطلاعیه خانواده هوشمند علیپور، روز جمعه ۱۲ مرداد ۱۳۹۷ هوشمند علیپور و همراهش که در کردستان ایران مشغول فعالیت سیاسی و تبلیغی در میان مردم بودند به کمپین نیروهای نظامی جمهوری اسلامی می افتند و دستگیر می شوند. دوست هوشمند محمد استاد قادر در جریان حمله نیروهای جمهوری اسلامی زخمی می شود و هوشمند که به کمک دوستش می شتابد زیر رگبار گلوله و گاز اشک آور از پای در می آید و هر دو به چنگ نیروهای جمهوری اسلامی می افتند.

تا زمان صدور این اطلاعیه از محل بازداشت این دو فعال سیاسی هیچگونه خبری در دست نیست. جمهوری اسلامی در بخش اخبار شبانگامی ۲۰:۳۰ مورخ ۱۶ مردادماه ۹۷ نمایش اعتراضات اجباری این دو زندانی را پخش کرد. اعتراضاتی که بنا به رسم و شیوه شناخته جمهوری اسلامی به دنبال شکنجه شدن شدید زندانیان صورت می گیرد. هه ژار علیپور برادر هوشمند در اطلاعیه از سوی خانواده علیپور گفته است که برادرش بنا به منابع موثق از ایران زیر شدیدترین شکنجه ها قرار داشته است.

ما بدین وسیله یک کمپین جهانی برای نجات هوشمند علیپور اعلام می داریم. هدف ما از این کمپین این است که اجازه ندهیم جمهوری اسلامی این دو فعال سیاسی را اعدام کند و جان هوشمند

و دوست همراهش یعنی محمد استاد قادر را از مرگ نجات دهیم. ما در عین حال به افشای شکنجه های وحشیانه جمهوری اسلامی علیه این دو فعال سیاسی خواهیم پرداخت و می خواهیم که جهانیان چنین رفتارهای شنیع و ضد انسانی جمهوری اسلامی با زندانیان در بند را محکوم کنند. حق داشتن وکیل، حق ملاقات با اعضای خانواده، اطلاع فوری از وضعیت جسمی و روحی این دو زندانی، حق برخورداری از یک دادرسی عادلانه و برخورداری از امکانات پزشکی و درمانی در زندان از حقوق بدیهی همه متهمان است. اما جمهوری اسلامی با استناد با قوانین قصاص اسلامی و استفاده از اعدام بعنوان یک حربه سیاسی و اقدامی انتقامجویانه برای مرعوب ساختن مردم معترض، همه این حقوق بدیهی را زیر پا می گذارد. تنها با فشار و کمپین جهانی است که می توان جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد و از اعدام



این دو فعال سیاسی جلوگیری بعمل آورد.

کمپین نجات هوشمند علیپور از سوی کمیته بین المللی علیه اعدام اعلام می شود ولی متعلق به همه کسانی است که علیه جمهوری اسلامی و مخالف مجازات اعدام هستند. از همین رو ما همه احزاب، سازمانها و نهادها گوناگون مدافع حقوق انسان و همه افراد را فرا می خوانیم که به این کمپین بپیوندند. خانواده علیپور در روزهای سخت و دشواری به سر می برند و از همه ما خواسته اند که برای نجات جان عزیزشان در کنار و همراهشان باشیم. این خانواده پر جمعیت که شماری زیادی از آنها آواره این کشور و آن کشور شده اند و مورد ظلم و ستم بی شمار جمهوری اسلامی بوده اند، به کمک تک تک شما نیاز دارند و نباید تنهایشان بگذاریم. بخصوص مردم سردشت که خانواده علیپور را به خوبی می شناسد لازم است که با جمع آوری امضا و هر اقدام دیگری، همبستگی و پشتیبانی خود را برای نجات جان هوشمند علیپور نشان دهند.

در اطلاعیه های بعدی در باره زندگی و مبارزه هوشمند علیپور ۲۵ ساله که در چنگال جمهوری اسلامی در معرض خطر مرگ قرار دارد، بیشتر برای شما خواهیم نوشت.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۱ مرداد ۱۳۹۷ - ۱۲ اوت ۲۰۰۸

## فراخوان کارگران فولاد اهواز

### به تجمع در ۲۷ مرداد

فولاد اهواز از جمله اتفاقات سیاسی مهم در یکسال اخیر بوده و دستاوردهای ارزشمندی برای این کارگران و کل جنبش کارگری داشته است. خصوصا خانواده های کارگران جایگاه مهمی در اعتراضات این کارگران و در آزادی دستگیرشدگان خردادماه داشته اند. امروز نیز حضور خانواده های کارگران میتواند نقش مهمی در قدرتمند تر شدن حرکت کارگران گروه ملی فولاد اهواز داشته باشد.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات و خواسته های کارگران گروه ملی فولاد اهواز کرده و همه کارگران و مردم شهر اهواز را به همبستگی با این کارگران فرامیخواند. همصدا با کارگران گروه ملی فولاد اهواز باید بر پرداخت فوری طلبهای این کارگران و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات آنها و بسته شدن پرونده های تشکیل شده برای کارگران معترض و توقف فوری احضارها تاکید کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ مرداد ۱۳۹۷ - ۱۶ اوت ۲۰۱۸



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

آغاز شده و ما در این روند همه تلاشمان را میکنیم که حزب به نماینده طبقه کارگر و توده مردم ایران علیه هر نوع ستم و بیحقوقی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی تبدیل شود و حزبی باشد که بتواند جامعه را به رفاه و آزادی و برابری رهنمون شود.

بسیار وسیع تر و عمیق تر و همه جانبه تر این سیاستها را ادامه خواهد داد. این سرمایه و کارنامه سیاسی و اجتماعی هست که ما فکر میکنیم جامعه میتواند بر آن مبنای ما را قضاوت کند و انتخاب کند. هنوز این اتفاق نیفتاده است ولی خواهد افتاد. روند انقلاب تازه

از صفحه ۷  
بر سر حکومت خراب کرده ایم و بسیاری از کارزارهای دیگر. ما حزب منشأ اثر در اپوزیسیون هستیم. مردمی که این کارنامه را می بینند به حزب ما اعتماد میکنند و به این نتیجه میرسند که وقتی این حزب بقرت برسد طبعاً

**به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید**